

یادداشت

مسیرهای نوومعماری قدرت

در برابر این تحولات، قطب شرقی با سه واکنش نامنجم مواجه است؛ چین در پی بازتعریف اتصال از طریق آسیای مرکزی، روسیه متمرکز بر حفظ نفوذ از طریق فشار بر قزاقستان و ایران در تلاش برای تثبیت گره‌های باقی‌مانده در چابهار و عراق، اما این واکنش‌ها، در برابر سرعت و هم‌زمانی مسیرهای جدید، فاقد انسجام عملیاتی‌اند. یکی از برترین زمینه‌های ایران در بریکس، پیوندزدن این سازمان با جهان اسلام و آفریقااست. برخلاف چین و روسیه که بیشتر از منظر قدرت سخت و سودهای ژئوپلیتیک به بریکس می‌نگرند، ایران می‌تواند با بهره‌گیری از سرمایه نمادین خود در جهان اسلام و پیوندهای تمدنی با آفریقا، بریکس را به یک کارزار فرهنگی و سیاسی نیز بدل کند. این یعنی دگرگون‌ساختن بریکس از یک بلوک اقتصادی به یک سرزمین تمدنی؛ سرزمینی که در آن کشورهایی با تجربه استعمار و رشد نابرابر بتوانند نه‌تنها در اقتصاد، بلکه در معنا و روایت نیز بازیگر باشند.

دراین‌میان کردور شمال–جنوب نباید فقط به چشم یک برنامه ترابری دیده شود. این کردور اگر در چارچوب بریکس بارشناخته شود، می‌تواند به ستون بنیادین یک نظم جایگزین بدل شود.

ایران، با جایگاه بی‌همتای خود در پیوندگاه هند، آسیای میانه، روسیه و اروپا، اگر با اراده سیاسی و سرمایه‌گذاری مشترک اعضای بریکس همراه شود، می‌تواند از یک گذرگاه به یک مفصل راهبردی شرق و غرب ارتقا یابد. این مسیر نه‌تنها راهی جایگزین برای آبراه سوئز، بلکه ابزاری برای گریز از انحصار ترابری غرب نیز هست.

اکنون زمان انفعال نیست، بلکه زمان بازخوانی نقشه‌هاست. اگر این مسیرها تثبیت شوند، نه‌تنها شرق از اتصال منطقه‌ای حذف خواهد شد، بلکه توازن قوای جهانی نیز دستخوش تغییرات بنیادین خواهد شد. پرورش اصلی این نیست که چه چیزی در حال وقوع است، بلکه این است که چه چیزی هنوز قابل بازتعریف است و این پرسش باید پیش از تثبیت کامل مسیرها پاسخ داده شود.

بریکس در این چرخش، نه یک فرصت برای پیوستن، بلکه آزمونی برای معماری نظم است. ایران اگر بخواهد از جایگاه تماشاگر بیرون آید، باید مسیر را طراحی کند، روایت را بسازد و بنیاد را استوار کند. این یعنی گذر از منطق واکنش به منطق پیش‌دستی. اگر ایران بتواند کردور شمال–جنوب را در قالب پروژه‌ای بریکسی تثبیت کند، نه‌تنها تهدید حذف ژئوپلیتیکی را به‌ی‌آثر خواهد کرد، بلکه خود به معمار مسیریار در نظم نوین بدل خواهد شد.

این نقش، البته نیازمند بازسازی ظرفیت‌های نهادی، دیپلماسی اقتصادی و هماهنگی در سیاست‌گذاری داخلی است. پیشنهاد تشکیل دبیرخانه مسیرهای بریکسی، با مأموریت طراحی، پیگیری و تثبیت اتصال ایران در چارچوب بریکس، می‌تواند نخستین گام عملی برای خروج از موقعیت تماشاگر و ورود به جایگاه معمار باشد.

جوان اهوازی و کورش ووالریانوس!

۲- رشد اقتصادی ایران در سال های ۱۳۹۱-۱۴۰۳حدود ۱۰٫۸ درصد بوده است که اگر سال‌های ۹۵ و ۹۶ یعنی سال‌های برجامی را از آن کم کنیم متوسط رشد درآمد ملی به حدود ۰٫۵ درصد سقوط می‌کند. اقتصاد که توان ایجاد اشتغال مولد را از دست داد و مشاغل ایجادشده عموماً بی‌کیفیت و با بهره‌وری پایین مانند دست‌فروشی، پیک موتوری، راننده تاکسی‌های اینترنتی و… بوده است و حدود ۱۲ میلیون نفر به جمعیت زیر خط فقر اضافه شده است (زهره کریمی- شرق- ۶/۱۶). در واقع اقتصاد ایران در این دهه از ایجاد مشاغل با فناوری‌های متوسط و بالا ناتوان بوده و آن بخش کوچکی که نیز در قالب کسب‌وکارهای اینترنتی توانست تا حدودی نیروهای جوان تحصیل‌کرده را به خود جذب کند با مداخلات روزافزون دولت و نهادهای خارج از دولت کارشان به تعطیلی یا درجازدن و عدم توسعه کشیده شده است. در واقع اقتصاد ایران اگرچه شغل ایجاد کرده اما رفاه ایجاد نکرده و فقرا در ایران عموماً شلغاف هستند، نه بیکار. بررسی دو تحریم اول و دوم دهه ۹۰ تاکنون نشان می‌دهد که افول اقتصادی و صنعتی و ایجاد اشتغال مولد در ربط کامل با سیاست خارجی بوده که البته در امتداد سیاست‌های داخلی است. چنان‌که ناکارآمدی شدید بخش داخلی و تحریم‌ها و تنش‌های خارجی و بین‌المللی هزینه تولید را به‌شدت بالا برده و در همین حال امکان بهره‌گیری از تکنولوژی و سرمایه جهانی را بسیار کاهش داده و اقتصاد ایران را به اقتصادی درون‌گرا و محدود به بازار داخلی یا صدورکالاهایی با فناوری پایین و مبتنی بر مواد کمتر فراوری‌شده (گزارش یونیدو، دنیای اقتصاد، ۱۴۰۱/۵/۲۱) به چند کشور محدود و عمدتاً همسایگان محدود کرده است. در چارچوب این حکمرانی اقتصادی، نرخ مشارکت نیروی کار هر روز بیشتر کاهش یافته و کیفیت اشتغال و درآمد خانوارها ضعیف و ضعیف‌تر شده و در چنین وضعیتی از تخریب رشد اقتصادی «بنگاه و خانوار دست به‌سوی نظام حکمرانی دراز کرده و از آن درخواست کمک کرده و نظام حکمرانی که خود با کمبود شدید منابع مواجه است ناگزیر به بهره‌گیری از سه منبع ظرفیت‌های طبیعی اقتصاد شامل آب، خاک، انرژی و جنگل‌ها و مراتع و…، ظرفیت به‌همانند از گذشته بنگاه‌های اقتصادی و در نهایت فشار بر نظام بانکی و خلق تورم روی آورده… این بدان معناست که بنای نظام حکمرانی اقتصادی به‌جای ساختن، بر تخریب بنیان‌ها برای گذران روزمره استوار شده است» («چالش‌های صنعتی‌شدن در ایران»، مسعود نیلی و همکاران، دی‌ماه ۱۴۰۳).

۳- همان روزی که واقعه دردناک پارک زیتون و خودسوزی دانشجوی اهوازی اتفاق افتاد، از تندیس شاپور ساسانی که والریانوس پادشاه روم در برابرش زانو زده رونمایی و جشن «در مقابل ایران دوباره زانو می‌زنید» در تهران برگزار شد. روز قبل‌تر یعنی ۱۵ آبان برابر ششم نوامبر نیز در کنفرانس یونسکو «منشور کوروش کبیر» به عنوان یکی از نخستین منشورهای حقوق بشر که بر احترام به حقوق انسانی و تنوع فرهنگی تأکید دارد از سوی کشورهای عضو مورد تأیید و تصویب قرار گرفت. امروز بار دیگر کشورمان در دوراهه انتخابی حیاتی قرار گرفته است: تضاد و دشمنی و حاکم و محکوم دیدن روابط و مناسبات جهانی و حاشیه‌ای پنداشتن حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در یک سو و در سوی دیگر، صلح و آشتی با همه کشورهای جهان و تعامل و همکاری در عرصه مناسبات جهانی و احترام به آزادی و حقوق شهروندان به‌منظور تأمین رفاه و آسایش و معیشت کار شرافتمندانه همه ایرانیان در هرکجای این سرزمین و از هر قوم و زبان و مذهبی.

راه اول به سقوط در دام و کام تنش‌ها و درگیری‌ها و تخریب باقی‌مانده اقتصاد و صنعت و اضمحلال منابع و بیهودگی این‌همه دست و بیگانگی این‌همه صورت می‌انجامد و راه دوم به گذار از اقتصاد معیشتی به اقتصادی توسعه‌یافته و تأمین‌کننده کار مولد برای جامعه جوان تحصیل‌کرده به عنوان نیاز و ضرورتی تاریخی از طریق دست‌یابی به سرمایه، فناوری‌های پیشرفته و مدیریت‌های نوین. این‌همه در گرو آن است که تعامل با جهان را تسلیم و فقر را استقلال معنا نکنیم و همان کنیم که در منشور کوروش و دیوان حافظ و… آمده است: «درخت دوستی بشان که کام دل به بار آرد/ نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد» تا هیچ انسان ایرانی‌ای گرسنه و مستأصل نباشد و جان هیچ جوان ایرانی در آتش فقر و ناامیدی نسوزد که چنین باد!

شرق: قدیمی‌ترین بنگاه رسانه‌ای بریتانیا در یک روز دو استعفای هم‌زمان را در رأس خود دید؛ جرعه، یک دستکاری جنجالی از سخnrانی ترامپ در ششم ژانویه ۲۰۲۱ بود و سوخت آن نیز پرونده سوگیری غیرقابل اغماض در سرویس غربی این بنگاه. امروز، ادعای بی‌طرفی بی‌بی‌سی دیگر کافی نیست و کف استاندارد آنها باید پاسخ‌گو باشد. یکشنبه‌شب بی‌بی‌سی اعلام کرد تیم دیوی، مدیرکل این بنگاه و دبورا ترنس، مدیر خبر کناره‌گیری می‌کنند؛ درست وسط موج انتقادها از برش‌های یک مستند درباره سخنرانی ششم ژانویه ۲۰۲۱ دونالد ترامپ که سال گذشته در برنامه پانوراما پخش شد و هم‌زمان با بازنشر یافته‌های دنت درباره جهت‌گیری اخبار، روایت‌ها و آمار

جنگ غزه در بی‌بی‌سی غربی، روز گذشته هم رئیس بی‌بی‌سی با حضور در کمیته فرهنگ پارلمان رسماً عذرخواهی کرد. تیم دیوی، مدیرکل، در نامه استعفای خود نوشت رفتن بعد از پنج سال «کاملاً متمیم شخصی» است و برای گذار منظم تحولات به جانشین، با هیئت‌مدیره هماهنگ می‌کند. او تأکید کرد: «به عنوان مدیرکل باید مسئولیت نهایی را بپذیرم». دبورا ترنس، مدیر خبر نیز تصریح کرد جنجال مستند ترامپ «دورا نقطه‌ای رسیده که به بی‌بی‌سی لطمه می‌زند» و «به عنوان مدیر خبر، مسئولیت با من است». این ادبیات یعنی پذیرش خطا در سطوح فرماندهی؛ ژست معمولی نیست، سیگنال روشن پاسخ‌گویی است. استعفاها در آخر رخ نداد. محور فشار، دستکاری عامدانه یک سخنرانی حساس بود؛ سخنرانی روز ششم ژانویه ۲۰۲۱ ترامپ که پیش از حمله معترضان به کنگره در واشنگتن انجام شد. منتقدان گفتند برش‌های مستند، جمله دعوت ترامپ به اعتراض مسالمت‌آمیز را حذف یا کمرنگ کرد و تصویر نادقیقی از نیت او ساخت. وزن ماجرا وقتی بالا رفت که کارولاین لیویت، سخنگوی کاخ سفید، همان کلیپ را «صددردص جعلی» و گمراه‌کننده خواند. وقتی نقد رسمی از واشنگتن می‌رسد، ماجرا از حیطة فنی تدوین بیرون می‌رود و به حیثیت حرفه‌ای نهاد ضربه می‌زند. اعلام عذرخواهی هم معنا دارد؛ شکست کنترل کیفیت در یک نقطه حساس تأیید می‌شود. فضای بی‌اعتمادی فقط به این پرونده محدود نبود. بی‌بی‌سی پیش‌تر در یکی از برنامه‌های مربوط به غزه نیز عقب نشست و مستندی را از پلنفرمش حذف کرد، چون روزی گوید، پسر یکی از مقامات حماسا بوده، یک تضاد منافع آشکار که رویه راستی‌آزمایی را زیر پرسش برد و به روایت منتقدان، خطای روایی را تثبیت کرد.

بحران اعتماد

داستان دستکاری در مستند، از جنس اختلاف سلیقه هنری نبود؛ بحث بر سر وفاداری کامل به متن و رعایت چک‌لیست‌های تطبیق پیش از پخشش بود. در روایت انتقادی، وقتی جمله دعوت به اعتراض مسالمت‌آمیز حذف یا محو می‌شود، تصویر ساخته‌شده از گوینده به طور سیستمی کج می‌شود. به همین دلیل، عذرخواهی روز گذشته صرفاً یک پوزش رسانه‌ای نیست؛ تأیید این است که نظیره کنترل کیفیت در حساس‌ترین نقطه دچار لغزش شد. این لغزش، برای شبکه‌ای با ادعای بی‌طرفی منشوری و جایگاه ملی کوچک نیست. بی‌بی‌سی ادعا می‌کند نهادی مستقل و بی‌طرف است؛ اما استقلال و بی‌طرفی با استانداردهای عملیاتی سنجیده می‌شود نه با شعار. بحران تدوین نشان داد که در بنگاه‌ها، چگونگی برش و تدوین، نحوه قاب‌بندی و نظم تأیید سردبیری تعیین‌کننده‌تر است. وقتی واکنش رسمی از کاخ سفید به متن اضافه می‌شود، اثر دومینویی خطا روشن‌تر دیده می‌شود؛ یک اشتباه تدوینی، از اتاق خبر لندن تا تریبون واشنگتن موج می‌سازد.

عذرخواهی رسمی ودواستعفادر یک روز؛ تردید درباره قدیمی‌ترین مؤسسه رسانه‌ای بریتانیا

بنگاهی که «بی‌طرف» نیست



۲۱۵ آمار و خبر غلط

خط دوم فشار بر این بنگاه، بی‌بی‌سی عربی است؛ سرویس زبانی که به گفته گزارش‌های رسانه‌ای هفته گذشته، در مرکز انتقادها قرار گرفت. مایکل پرسکات، مشاور مستقل سابق دستورالعمل‌های تحریری که تا ماه ژوئن در این بنگاه حضور داشت، در یادداشتی مفصل، الگوهای سوگیری در سرویس عربی را فهرست کرد؛ کمرنگ‌کردن رنج شهروندان، واژه‌گذاری‌هایی که عملیات‌های مسلحانه و تروریستی را «عملیات نظامی» می‌نامد و تفاوت‌های معادار میان نسخه انگلیسی و عربی یک خبر. اینها به‌زعم منتقدان، خطاهای سلیقهای موردی نیست؛ بارها الگوی تکرار دارد. اعداد، فشار را واضح‌تر می‌کنند. طبق داده‌های منتشرشده، بی‌بی‌سی عربی در دو سال گذشته ۲۱۵ اصلاح آمار و خبر و روایت جعلی و توضیح را ثبت کرده است؛ تقریباً دو مورد در هفته. جنس همه این موارد یکفای نیست؛ ولی برای افکار عمومی، شاخصی ساده و قابل تکرار می‌سازد؛ اگر باید هر هفته «توضیح» دهی و «اصلاح کنی»، یعنی پیشگیری درست کار نکرده است. بخشی از این اصلاح‌ها به کاربرد «شهرک یا شهرک‌نشین» برای مناطق داخل اسرائیل مربوط بود و بخشی به شیوه توصیف عملان حملات. یک نمونه حساس در ژانویه ثبت شد؛ گزارشی درباره گروگان‌ها که در آن، «گروگان‌گیرها» در گزارش بی‌بی‌سی «نگهبان گروگان‌ها» توصیف شده بود؛ عبارتی که واقعیت اسارت را به‌گونه‌ای دیگر جلوسه می‌دهد. همان گزارش‌ها بارها به نامه‌ای اشاره کرده‌اند که در آن، چارچوبی ظاهراً حرفه‌ای، معنای ماجرا را وارونه می‌کند. مثال‌های دیگر نیز آمده است. در اول اکتبر ۲۰۲۴، حملاتی در یافا به کشته‌شدن هفت غیرنظامی انجامید. نسخه انگلیسی بر کشته‌شدن غیرنظامیان تأکید کرد، اما نسخه عربی همان رویداد را «عملیات نظامی» خواند. در جولای ۲۰۲۴ نیز پوشش یک حمله موشکی در بلندی‌های جولان با تأکیدهای متفاوت روایت شد؛ مایکل پرسکات نوشت این تفاوت‌ها رنج قربانیان را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد. اینها بحث واژه خنثی نیست؛ بحث چارچوب روایت است و چارچوب روایت، قصاصات مخاطب را می‌سازد. یک رنگ خطر دیگر هم به صدا درآمد؛ حضور پرتکرار یک چهره رسانه‌ای جنجالی در بی‌بی‌سی عربی، طبق مستندات نقل‌شده، این فرد طی ۱۸ ماه، ۲۴۴ بار در این شبکه ظاهر شده و عباراتی همچون «سرواژندن مثل کاری که هیتلر کرد» را بر زبان آورده است. وقتی چنین پدیده‌ای به‌راحتی به آنتن می‌رسد، ادعای بی‌طرفی، بدون واژه‌نامه دقیق و همسازی زبانی، به شعار نزدیک می‌شود.

وقتی پول عمومی وسط است

بی‌بی‌سی به موجب منشور خود، متعهد به بی‌طرفی است و از سوی دیگر با عوارض سالانه حدود ۱۷۵ پوند از هر خانوار دارای تلویزیون تأمین می‌شود؛ ترکیبی که حساسیت افکار عمومی را بالا می‌برد و رقابت تجاری را هم به نفع دائمی تشویق می‌کند. همین جایگاه، شبکه را به میدان سیاست می‌کشاند. «کمی

عذرخواهی رسمی ودواستعفادر یک روز؛ تردید درباره قدیمی‌ترین مؤسسه رسانه‌ای بریتانیا

باندنوک»، رهبر حزب محافظه‌کار، از ضرورت اصلاح فرهنگ سازمانی گفت؛ از آن سولیزا ناندی، وزیر مسئول رسانه در دولت حزب کارگر، ضمن قدردانی از دوره تیم دیوی، بر نیاز به خبر قابل اعتماد و روزنامه‌نگاری باکیفیت تأکید کرد و حفظ نقش ملی بی‌بی‌سی را یادآور شد. دو موضع، دو زاویه قدیمی درباره مصادیق بی‌طرفی را بازتاب می‌دهد. اما تیسر خلاص را بخش خارجی زد؛ پرتی پاتل، وزیر خارجه سایه، در نامه به یوت یوتیو، وزیر خارجه بریتانیا، هشدار داد اگر «سوگیری جدی» در سرویس عربی ادامه یابد، باید تأمین مالی سرویس جهانی بازنگری یا مشروط شود. تعبیر تند او روشن بود: وزارت خارجه نباید اجازه بدهد بی‌بی‌سی

به سرویس یک جریان مشخص تبدیل شود. وقتی چنین زبانی در مکاتبات رسمی به کار می‌رود، یعنی مسئله فراتر از خطای موردی است و در سطح مسئولیت دولت در خرج‌کرد پول عمومی طرح می‌شود. در این میان، واحد رسیدگی به شکایات بی‌بی‌سی نیز زیر سؤال رفت. بارونس دچ، عضو پیشین هیئت حاکمه بی‌بی‌سی، با کتابهای آشنا گفت این واحد نمی‌تواند «برگه خودش را تصحیح کند»، یعنی خودنظارتی در چنین پرونده‌هایی کافی نیست. برای منتقدان، خلاصه ماجرا همین است: وقتی خطاها صدها بار تکرار می‌شود، اعتماد عمومی با دآوری بیرونی بازسازی می‌شود، نه با توضیح‌های درونی و بده‌بستان‌های داخلی. این بحران دو سر دارد، اما یک گلوگاه مشترک؛ اتاق تدوین و میز ترجمه. در مستند ترامپ، بحث بر سر وفاداری به متن کامل و رعایت چک‌لیست‌های تطبیق پیش از پخش بود؛ در سرویس عربی، بحث بر سر واژه‌نامه داخلی، همسازی سردبیری میان نسخه‌های انگلیسی و عربی و تفاوت روایت‌ها. هرجا فاصله روایت زیاد شده، مرز قربانی و عامل جابه‌جا شده و این جابه‌جایی، بی‌طرفی ادعایی را در چشم مخاطب بی‌اعتبار کرده است. همین‌ها صورت‌مسئله‌های خود پرونده‌هاست، نه توصیه بیرونی و نه نسخه‌نویسی. در سطح برند، بی‌بی‌سی شبکه‌ای با آنبوه سرگرمی و ورزش است که فقط در این حوزه‌ها قابل اعتماد است. اما بخش خبر جایی است که استاندارد حرفه‌ای در آن سنجیده می‌شود. وقتی از هفتم اکتبر به این سو -به روایت گزارش‌های رسانه‌ای- هر هفته باید درباره بخشی از خروجی عربی این سرویس «اصلاح و توضیح» داده شود، شعار بی‌طرفی، در دامن استاندارد عملیاتی سخت و هماهنگی بی‌زبانی، وزش را بر دست می‌دهد. بحران اخیر، همان‌قدر که خبر است، آزمون استاندارد هم هست. پس از کناره‌گیری تیم دیوی و دبورا ترنس، چند پرسش روشن روی میز مانده که خود گزارش‌ها آنها را برجسته کرده‌اند: بیانه دوشنبه درباره تدوین سخنرانی ترامپ دقیقاً چه می‌گوید و دامنه پوزش کجاست؟ عدد ۲۱۵ اصلاح در سرویس عربی چگونه دسته‌بندی و پاسخ‌گذاری می‌شود؟ تفاوت‌های روایت میان نسخه انگلیسی و عربی در چه فرایندی بازمینی می‌شود؟ و زمان‌بندی گذار مدیریتی و اطلاع‌رسانی هیئت‌مدیره به افکار عمومی چگونه خواهد بود؟ تا زمان پاسخ‌های روشن، استعفاها زخم پان پاسخ‌های بی‌بی‌سی به سرویس یک جریان مشخص تبدیل شود

در کف خیابان به خلأ امنیتی ترجمه می‌شود. این همان جایی است که رقابت‌های درون چارچوب، به

هزینه شهروند تمام می‌شود. مقتدی صدر رای‌گیری را تحریم کرده اما به گفته البداوی، «همه‌کارت‌ها را آماده نگه داشته است». صدر بازی را در بلندمدت می‌بیند؛ رقبایش را در دولت فرسوده می‌خواهد، تا در نقطه اوج ضعف آنان، بازگشت کند. برای یک کنشگر پوپولیست آزموده، این انفعال تاکتیکی همان سرمایه استراتژیک است. در روایت این گفت‌وگو، محمد شیاع السودانی در حال تعادل‌سازی میان تهران و واشنگتن است. حضور در نشست شرف‌الشیخ درباره غزه و مجموعه تماس‌ها با شرکای غربی و منطقه‌ای، به تعبیر البداوی، ژستی خوشایند برای رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ بوده تا نشان دهد «می‌تواند با آمریکا بازی کند» و راه دوره دوم را هموار کند. این همان سیاست آشنا در بغداد است: توازن ظاهری برای کاهش هزینه همسایگی با تهران و نگه‌داشتن کاتال‌های واشنگتن. اما جاشوا یافه یادآوری می‌کند که شکاف این نفوذ، دست بغداد را برای مسیر مستقل باز می‌گذارد، اما تهران هنوز اهرم‌های جدی دارد: از اقتصاد تا امنیت. در این خلا نسبی، واشنگتن همچنان با اولیتنام‌وم‌های سریع‌ان‌ثر می‌گذارد: «سلاح زمین بگذارد یا هدف قرار می‌گیری». این سطح از فشار، تصویر دولت بعدی را روشن می‌کند؛ بدون گفت‌وگوی ملی و توافق بر سر پایان‌دادن به فاز گروه‌های مسلح، هیچ دولتی مجال تمرکز بر خدمات و اصلاحات نخواهد یافت. مسئله کلیدی در آستانه رای‌گیری این است که با تحریم صدر و پراکندگی دیگر فهرست‌ها، چارچوب هماهنگی کمرقیب است؛ شبکه سازمانی و ازهم‌گسختگی بدیل‌ها، پیروزی را محتمل نگه می‌دارد، حتی اگر رای‌شان یک‌دست نباشد، اما پیروزی به معنای حکمرانی آسان نیست؛ شکاف درونی و فشار بیرونی، کابینه بعدی را از همان روز اول به مجموعه‌ای از بده‌بستان‌های سخت بدل می‌کند.

در مقابل، جمهوری‌خواهان می‌گویند

کاهش بودجه مدیریت در «قانون یک لایحه بزرگ و زیبا» صرفاً با هدف مقابله با ائتلاف و تقلب و سواستفاده انجام شده و درخواست دموکرات‌ها برای بازگرداندن این بودجه را «افراطی» توصیف کرده‌اند.

ترامپ و متحدانش در کنگره نیز گفته‌اند این کاهش‌ها عمدتاً مانع از آن می‌شود که مهاجران غیرقانونی و مردان جوان سالم از مزایای مدیکید بهره‌مند شوند. ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران، پس از انتشار خبر دستیابی به توافق، اظهار کرد: «ما هرگز با اساسا هیچ پولی به زدنانبان و مهاجران غیرقانونی که وارد کشور ما می‌شوند موافقت نخواهیم کرد و فکر می‌کنم دموکرات‌ها این را درک کرده‌اند».

در کف خیابان به خلأ امنیتی ترجمه می‌شود. این همان جایی است که رقابت‌های درون چارچوب، به

هزینه شهروند تمام می‌شود. مقتدی صدر رای‌گیری را تحریم کرده اما به گفته البداوی، «همه‌کارت‌ها را آماده نگه داشته است». صدر بازی را در بلندمدت می‌بیند؛ رقبایش را در دولت فرسوده می‌خواهد، تا در نقطه اوج ضعف آنان، بازگشت کند. برای یک کنشگر پوپولیست آزموده، این انفعال تاکتیکی همان سرمایه استراتژیک است. در روایت این گفت‌وگو، محمد شیاع السودانی در حال تعادل‌سازی میان تهران و واشنگتن است. حضور در نشست شرف‌الشیخ درباره غزه و مجموعه تماس‌ها با شرکای غربی و منطقه‌ای، به تعبیر البداوی، ژستی خوشایند برای رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ بوده تا نشان دهد «می‌تواند با آمریکا بازی کند» و راه دوره دوم را هموار کند. این همان سیاست آشنا در بغداد است: توازن ظاهری برای کاهش هزینه همسایگی با تهران و نگه‌داشتن کاتال‌های واشنگتن. اما جاشوا یافه یادآوری می‌کند که شکاف این نفوذ، دست بغداد را برای مسیر مستقل باز می‌گذارد، اما تهران هنوز اهرم‌های جدی دارد: از اقتصاد تا امنیت. در این خلا نسبی، واشنگتن همچنان با اولیتنام‌وم‌های سریع‌ان‌ثر می‌گذارد: «سلاح زمین بگذارد یا هدف قرار می‌گیری». این سطح از فشار، تصویر دولت بعدی را روشن می‌کند؛ بدون گفت‌وگوی ملی و توافق بر سر پایان‌دادن به فاز گروه‌های مسلح، هیچ دولتی مجال تمرکز بر خدمات و اصلاحات نخواهد یافت. مسئله کلیدی در آستانه رای‌گیری این است که با تحریم صدر و پراکندگی دیگر فهرست‌ها، چارچوب هماهنگی کمرقیب است؛ شبکه سازمانی و ازهم‌گسختگی بدیل‌ها، پیروزی را محتمل نگه می‌دارد، حتی اگر رای‌شان یک‌دست نباشد، اما پیروزی به معنای حکمرانی آسان نیست؛ شکاف درونی و فشار بیرونی، کابینه بعدی را از همان روز اول به مجموعه‌ای از بده‌بستان‌های سخت بدل می‌کند.

در مقابل، جمهوری‌خواهان می‌گویند

کاهش بودجه مدیریت در «قانون یک لایحه بزرگ و زیبا» صرفاً با هدف مقابله با ائتلاف و تقلب و سواستفاده انجام شده و درخواست دموکرات‌ها برای بازگرداندن این بودجه را «افراطی» توصیف کرده‌اند.

ترامپ و متحدانش در کنگره نیز گفته‌اند این کاهش‌ها عمدتاً مانع از آن می‌شود که مهاجران غیرقانونی و مردان جوان سالم از مزایای مدیکید بهره‌مند شوند. ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران، پس از انتشار خبر دستیابی به توافق، اظهار کرد: «ما هرگز با اساسا هیچ پولی به زدنانبان و مهاجران غیرقانونی که وارد کشور ما می‌شوند موافقت نخواهیم کرد و فکر می‌کنم دموکرات‌ها این را درک کرده‌اند».

در کف خیابان به خلأ امنیتی ترجمه می‌شود. این همان جایی است که رقابت‌های درون چارچوب، به

هزینه شهروند تمام می‌شود. مقتدی صدر رای‌گیری را تحریم کرده اما به گفته البداوی، «همه‌کارت‌ها را آماده نگه داشته است». صدر بازی را در بلندمدت می‌بیند؛ رقبایش را در دولت فرسوده می‌خواهد، تا در نقطه اوج ضعف آنان، بازگشت کند. برای یک کنشگر پوپولیست آزموده، این انفعال تاکتیکی همان سرمایه استراتژیک است. در روایت این گفت‌وگو، محمد شیاع السودانی در حال تعادل‌سازی میان تهران و واشنگتن است. حضور در نشست شرف‌الشیخ درباره غزه و مجموعه تماس‌ها با شرکای غربی و منطقه‌ای، به تعبیر البداوی، ژستی خوشایند برای رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ بوده تا نشان دهد «می‌تواند با آمریکا بازی کند» و راه دوره دوم را هموار کند. این همان سیاست آشنا در بغداد است: توازن ظاهری برای کاهش هزینه همسایگی با تهران و نگه‌داشتن کاتال‌های واشنگتن. اما جاشوا یافه یادآوری می‌کند که شکاف این نفوذ، دست بغداد را برای مسیر مستقل باز می‌گذارد، اما تهران هنوز اهرم‌های جدی دارد: از اقتصاد تا امنیت. در این خلا نسبی، واشنگتن همچنان با اولیتنام‌وم‌های سریع‌ان‌ثر می‌گذارد: «سلاح زمین بگذارد یا هدف قرار می‌گیری». این سطح از فشار، تصویر دولت بعدی را روشن می‌کند؛ بدون گفت‌وگوی ملی و توافق بر سر پایان‌دادن به فاز گروه‌های مسلح، هیچ دولتی مجال تمرکز بر خدمات و اصلاحات نخواهد یافت. مسئله کلیدی در آستانه رای‌گیری این است که با تحریم صدر و پراکندگی دیگر فهرست‌ها، چارچوب هماهنگی کمرقیب است؛ شبکه سازمانی و ازهم‌گسختگی بدیل‌ها، پیروزی را محتمل نگه می‌دارد، حتی اگر رای‌شان یک‌دست نباشد، اما پیروزی به معنای حکمرانی آسان نیست؛ شکاف درونی و فشار بیرونی، کابینه بعدی را از همان روز اول به مجموعه‌ای از بده‌بستان‌های سخت بدل می‌کند.

در مقابل، جمهوری‌خواهان می‌گویند

کاهش بودجه مدیریت در «قانون یک لایحه بزرگ و زیبا» صرفاً با هدف مقابله با ائتلاف و تقلب و سواستفاده انجام شده و درخواست دموکرات‌ها برای بازگرداندن این بودجه را «افراطی» توصیف کرده‌اند.

ترامپ و متحدانش در کنگره نیز گفته‌اند این کاهش‌ها عمدتاً مانع از آن می‌شود که مهاجران غیرقانونی و مردان جوان سالم از مزایای مدیکید بهره‌مند شوند. ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران، پس از انتشار خبر دستیابی به توافق، اظهار کرد: «ما هرگز با اساسا هیچ پولی به زدنانبان و مهاجران غیرقانونی که وارد کشور ما می‌شوند موافقت نخواهیم کرد و فکر می‌کنم دموکرات‌ها این را درک کرده‌اند».

در کف خیابان به خلأ امنیتی ترجمه می‌شود. این همان جایی است که رقابت‌های درون چارچوب، به

هزینه شهروند تمام می‌شود. مقتدی صدر رای‌گیری را تحریم کرده اما به گفته البداوی، «همه‌کارت‌ها را آماده نگه داشته است». صدر بازی را در بلندمدت می‌بیند؛ رقبایش را در دولت فرسوده می‌خواهد، تا در نقطه اوج ضعف آنان، بازگشت کند. برای یک کنشگر پوپولیست آزموده، این انفعال تاکتیکی همان سرمایه استراتژیک است. در روایت این گفت‌وگو، محمد شیاع السودانی در حال تعادل‌سازی میان تهران و واشنگتن است. حضور در نشست شرف‌الشیخ درباره غزه و مجموعه تماس‌ها با شرکای غربی و منطقه‌ای، به تعبیر البداوی، ژستی خوشایند برای رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ بوده تا نشان دهد «می‌تواند با آمریکا بازی کند» و راه دوره دوم را هموار کند. این همان سیاست آشنا در بغداد است: توازن ظاهری برای کاهش هزینه همسایگی با تهران و نگه‌داشتن کاتال‌های واشنگتن. اما جاشوا یافه یادآوری می‌کند که شکاف این نفوذ، دست بغداد را برای مسیر مستقل باز می‌گذارد، اما تهران هنوز اهرم‌های جدی دارد: از اقتصاد تا امنیت. در این خلا نسبی، واشنگتن همچنان با اولیتنام‌وم‌های سریع‌ان‌ثر می‌گذارد: «سلاح زمین بگذارد یا هدف قرار می‌گیری». این سطح از فشار، تصویر دولت بعدی را روشن می‌کند؛ بدون گفت‌وگوی ملی و توافق بر سر پایان‌دادن به فاز گروه‌های مسلح، هیچ دولتی مجال تمرکز بر خدمات و اصلاحات نخواهد یافت. مسئله کلیدی در آستانه رای‌گیری این است که با تحریم صدر و پراکندگی دیگر فهرست‌ها، چارچوب هماهنگی کمرقیب است؛ شبکه سازمانی و ازهم‌گسختگی بدیل‌ها، پیروزی را محتمل نگه می‌دارد، حتی اگر رای‌شان یک‌دست نباشد، اما پیروزی به معنای حکمرانی آسان نیست؛ شکاف درونی و فشار بیرونی، کابینه بعدی را از همان روز اول به مجموعه‌ای از بده‌بستان‌های سخت بدل می‌کند.

در مقابل، جمهوری‌خواهان می‌گویند

کاهش بودجه مدیریت در «قانون یک لایحه بزرگ و زیبا» صرفاً با هدف مقابله با ائتلاف و تقلب و سواستفاده انجام شده و درخواست دموکرات‌ها برای بازگرداندن این بودجه را «افراطی» توصیف کرده‌اند.

ترامپ و متحدانش در کنگره نیز گفته‌اند این کاهش‌ها عمدتاً مانع از آن می‌شود که مهاجران غیرقانونی و مردان جوان سالم از مزایای مدیکید بهره‌مند شوند. ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران، پس از انتشار خبر دستیابی به توافق، اظهار کرد: «ما هرگز با اساسا هیچ پولی به زدنانبان و مهاجران غیرقانونی که وارد کشور ما می‌شوند موافقت نخواهیم کرد و فکر می‌کنم دموکرات‌ها این را درک کرده‌اند».

در کف خیابان به خلأ امنیتی ترجمه می‌شود. این همان جایی است که رقابت‌های درون چارچوب، به

هزینه شهروند تمام می‌شود. مقتدی صدر رای‌گیری را تحریم کرده اما به گفته البداوی، «همه‌کارت‌ها را آماده نگه داشته است». صدر بازی را در بلندمدت می‌بیند؛ رقبایش را در دولت فرسوده می‌خواهد، تا در نقطه اوج ضعف آنان، بازگشت کند. برای یک کنشگر پوپولیست آزموده، این انفعال تاکتیکی همان سرمایه استراتژیک است. در روایت این گفت‌وگو، محمد شیاع السودانی در حال تعادل‌سازی میان تهران و واشنگتن است. حضور در نشست شرف‌الشیخ درباره غزه و مجموعه تماس‌ها با شرکای غربی و منطقه‌ای، به تعبیر البداوی، ژستی خوشایند برای رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ بوده تا نشان دهد «می‌تواند با آمریکا بازی کند» و راه دوره دوم را هموار کند. این همان سیاست آشنا در بغداد است: توازن ظاهری برای کاهش هزینه همسایگی با تهران و نگه‌داشتن کاتال‌های واشنگتن. اما جاشوا یافه یادآوری می‌کند که شکاف این نفوذ، دست بغداد را برای مسیر مستقل باز می‌گذارد، اما تهران هنوز اهرم‌های جدی دارد: از اقتصاد تا امنیت. در این خلا نسبی، واشنگتن همچنان با اولیتنام‌وم‌های سریع‌ان‌ثر می‌گذارد: «سلاح زمین بگذارد یا هدف قرار می‌گیری». این سطح از فشار، تصویر دولت بعدی را روشن می‌کند؛ بدون گفت‌وگوی ملی و توافق بر سر پایان‌دادن به فاز گروه‌های مسلح، هیچ دولتی مجال تمرکز بر خدمات و اصلاحات نخواهد یافت. مسئله کلیدی در آستانه رای‌گیری این است که با تحریم صدر و پراکندگی دیگر فهرست‌ها، چارچوب هماهنگی کمرقیب است؛ شبکه سازمانی و ازهم‌گسختگی بدیل‌ها، پیروزی را محتمل نگه می‌دارد، حتی اگر رای‌شان یک‌دست نباشد، اما پیروزی به معنای حکمرانی آسان نیست؛ شکاف درونی و فشار بیرونی، کابینه بعدی را از همان روز اول به مجموعه‌ای از بده‌بستان‌های سخت بدل می‌کند.

در مقابل، جمهوری‌خواهان می‌گویند

کاهش بودجه مدیریت در «قانون یک لایحه بزرگ و زیبا» صرفاً با هدف مقابله با ائتلاف و تقلب و سواستفاده انجام شده و درخواست دموکرات‌ها برای بازگرداندن این بودجه را «افراطی» توصیف کرده‌اند.

ترامپ و متحدانش در کنگره نیز گفته‌اند این کاهش‌ها عمدتاً مانع از آن می‌شود که مهاجران غیرقانونی و مردان جوان سالم از مزایای مدیکید بهره‌مند شوند. ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران، پس از انتشار خبر دستیابی به توافق، اظهار کرد: «ما هرگز با اساسا هیچ پولی به زدنانبان و مهاجران غیرقانونی که وارد کشور ما می‌شوند موافقت نخواهیم کرد و فکر می‌کنم دموکرات‌ها این را درک کرده‌اند».

در کف خیابان به خلأ امنیتی ترجمه می‌شود. این همان جایی است که رقابت‌های درون چارچوب، به

هزینه شهروند تمام می‌شود. مقتدی صدر رای‌گیری را تحریم کرده اما به گفته البداوی، «همه‌کارت‌ها را آماده نگه داشته است». صدر بازی را در بلندمدت می‌بیند؛ رقبایش را در دولت فرسوده می‌خواهد، تا در نقطه اوج ضعف آنان، بازگشت کند. برای یک کنشگر پوپولیست آزموده، این انفعال تاکتیکی همان سرمایه استراتژیک است. در روایت این گفت‌وگو، محمد شیاع السودانی در حال تعادل‌سازی میان تهران و واشنگتن است. حضور در نشست شرف‌الشیخ درباره غزه و مجموعه تماس‌ها با شرکای غربی و منطقه‌ای، به تعبیر البداوی، ژستی خوشایند برای رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ بوده تا نشان دهد «می‌تواند با آمریکا بازی کند» و راه دوره دوم را هموار کند. این همان سیاست آشنا در بغداد است: توازن ظاهری برای کاهش هزینه همسایگی با تهران و نگه‌داشتن کاتال‌های واشنگتن. اما جاشوا یافه یادآوری می‌کند که شکاف این نفوذ، دست بغداد را برای مسیر مستقل باز می‌گذارد، اما تهران هنوز اهرم‌های جدی دارد: از اقتصاد تا امنیت. در این خلا نسبی، واشنگتن همچنان با اولیتنام‌وم‌های سریع‌ان‌ثر می‌گذارد: «سلاح زمین بگذارد یا هدف قرار می‌گیری». این سطح از فشار، تصویر دولت بعدی را روشن می‌کند؛ بدون گفت‌وگوی ملی و توافق بر سر پایان‌دادن به فاز گروه‌های مسلح، هیچ دولتی مجال تمرکز بر خدمات و اصلاحات نخواهد یافت. مسئله کلیدی در آستانه رای‌گیری این است که با تحریم صدر و پراکندگی دیگر فهرست‌ها، چارچوب هماهنگی کمرقیب است؛ شبکه سازمانی و ازهم‌گسختگی بدیل‌ها، پیروزی را محتمل نگه می‌دارد، حتی اگر رای‌شان یک‌دست نباشد، اما پیروزی به معنای حکمرانی آسان نیست؛ شکاف درونی و فشار بیرونی، کابینه بعدی را از همان روز اول به مجموعه‌ای از بده‌بستان‌های سخت بدل می‌کند.

در مقابل، جمهوری‌خواهان می‌گویند

کاهش بودجه مدیریت در «قانون یک لایحه بزرگ و زیبا» صرفاً با هدف مقابله با ائتلاف و تقلب و سواستفاده انجام شده و درخواست دموکرات‌ها برای بازگرداندن این بودجه را «افراطی» توصیف کرده‌اند.

ترامپ و متحدانش در کنگره نیز گفته‌اند این کاهش‌ها عمدتاً مانع از آن می‌شود که مهاجران غیرقانونی و مردان جوان سالم از مزایای مدیکید بهره‌مند شوند. ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران، پس از انتشار خبر دستیابی به توافق، اظهار کرد: «ما هرگز با اساسا هیچ پولی به زدنانبان و مهاجران غیرقانونی که وارد کشور ما می‌شوند موافقت نخواهیم کرد و فکر می‌کنم دموکرات‌ها این را درک کرده‌اند».

در کف خیابان به خلأ امنیتی ترجمه می‌شود. این همان جایی است که رقابت‌های درون چارچوب، به

هزینه شهروند تمام می‌شود. مقتدی صدر رای‌گیری را تحریم کرده اما به گفته البداوی، «همه‌کارت‌ها را آماده نگه داشته است». صدر بازی را در بلندمدت می‌بیند؛ رقبایش را در دولت فرسوده می‌خواهد، تا در نقطه اوج ضعف آنان، بازگشت کند. برای یک کنشگر پوپولیست آزموده، این انفعال تاکتیکی همان سرمایه استراتژیک است. در روایت این گفت‌وگو، محمد شیاع السودانی در حال تعادل‌سازی میان تهران و واشنگتن است. حضور در نشست شرف‌الشیخ درباره غزه و مجموعه تماس‌ها با شرکای غربی و منطقه‌ای، به تعبیر البداوی، ژستی خوشایند برای رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ بوده تا نشان دهد «می‌تواند با آمریکا بازی کند» و راه دوره دوم را هموار کند. این همان سیاست آشنا در بغداد است: توازن ظاهری برای کاهش هزینه همسایگی با تهران و نگه‌داشتن کاتال‌های واشنگتن. اما جاشوا یافه یادآوری می‌کند که شکاف این نفوذ، دست بغداد را برای مسیر مستقل باز می‌گذارد، اما تهران هنوز اهرم‌های جدی دارد: از اقتصاد تا امنیت. در این خلا نسبی، واشنگتن همچنان با اولیتنام‌وم‌های سریع‌ان‌ثر می‌